

آیا عروسی حضرت قاسم علیه السلام در آن کارزار حقیقت دارد؟

آنچه از کتب معتبره برمی آید اینست که: دامادی حضرت قاسم در کربلا و تزویج او با فاطمه بنت الحسین صحت ندارد. به علاوه امام حسین (علیه السلام) دو دختر داشته است، یکی بنام سکینه که بفرموده شیخ طبرسی، امام حسن (علیه السلام) او را بعقد عبدالله بن الحسن (علیه السلام) در آورده ولی پیش از زفاف، عبدالله به شهادت رسید و دیگری بنام فاطمه که زوجه حسن مثنی بوده و در کربلا هم حضور داشت، و امام حسین (علیه السلام) دختر دیگری نداشته تا حضرت قاسم با او ازدواج نماید. و اگر با استناد به بعضی از کتب برای امام دختری دیگر هم ثابت شود آن دختر فاطمه صغری بوده که در کربلا نبوده و در هنگام حادثه کربلا در مدینه حضور داشت.

دیدگاه محدث نوری:

ایشان در کتاب لؤلؤ و مرجان می فرماید: بمقتضای تمام کتبی که معتبره اند و در فن حدیث و انساب و سیر نوشته شده است، نمی توان برای حضرت سیدالشهداء دختر قابل تزویج بی شوهری پیدا کرد که این قضیه با قطع نظر از صحت و سقم آن بحسب نقل، وقوعش ممکن باشد.

به یاری خداوند و با نام او می دانیم که هرروز از دهه‌ی عاشورا، منتسب به یکی از شهیدان کربلا است؛ پس فرصت را غنیمت شمرده و هرروز را به پرسش و پاسخ پیرامون یکی از آنها اختصاص می دهیم.

روز ششم: قاسم بن الحسن علیه السلام

قاسم فرزند امام حسن (علیه السلام) به سال ۴۷ ه. ق در مدینه منوره دیده به جهان گشود. نقلی در شب عاشورا، آنگاه که امام حسین (علیه السلام) خطبه خواند و به یاران خود فرمود: «فردا من و شما همه کشته خواهیم شد»، وی پنداشت این افتخار از آن مردان و بزرگسالان است و شامل نوجوانان نمی شود. از این رو پرسید: «آیا من هم فردا کشته خواهم شد؟» امام (علیه السلام) با مهربانی پرسید: «فرزندم، مرگ در نزد تو چگونه است؟» عرض کرد: «احلی من العسل» (شیرین تر از عسل). حضرت فرمود: آری به خدا سوگند، عمو به فدایت، تو از آنان هستی که پس از گرفتار شدن به بلایی سخت کشته خواهی شد.



ای من در این شب ترا بپوشد

آیا داعی هست تا از حریم پیامبر
دفاع نماید؟

پاسخ به خد شهبه پیرامون کربلا

دیدگاه محدث قمی:

و نیز محدث قمی در این باره می‌نویسد: مخفی نماند که قصه دامادی جناب قاسم (علیه‌السلام) در کربلا و تزویج او فاطمه بنت الحسین (علیه‌السلام) را صحت ندارد، چه آن‌که در کتب معتبره به نظر نرسیده، و به علاوه آن‌که حضرت امام حسین را دو دختر بوده ... یکی سکینه که زوجه عبدالله بود و یکی فاطمه که زوجه حسن مثنی بوده...»

چرا امام حسین علیه‌السلام به حضرت قاسم با وجود نوجوان بودن، اذن جنگ دادند؟

در اینکه چرا امام حسین علیه‌السلام به پچهایی کم سن و سال، چون حضرت قاسم و حضرت عبدالله اجازه‌ی جنگیدن دادند، باید توجه داشت که در مورد حضرت قاسم آمده که نزد امام حسین علیه‌السلام آمد و از ایشان اذن جنگیدن خواست؛ ولی امام علیه‌السلام به او اجازه‌ی جنگیدن ندادند؛ حضرت قاسم آن قدر گریه و اصرار نمود تا رضایت امام علیه‌السلام را گرفت، حتی در برخی منابع آمده وقتی حضرت قاسم نتوانست امام علیه‌السلام را راضی کند، وصیت‌نامه‌ای از پدرش امام حسن علیه‌السلام آورد که در آن نوشته بود:

فرزندم به تو سفارش می‌کنم، هرگاه عمویت را در کربلا در محاصره‌ی دشمن دیدی، هرگز جنگ با دشمنان خدا و پیامبر خدا صلی‌الله علیه‌الله را رها مکن و از جانبازی در رکاب عمویت امتناع نورز، اگر اجازه‌ی رفتن نداد به او اصرار کن تا اجازه بگیری! امام حسین علیه‌السلام وقتی وصیت برادرشان را دیدند به حضرت قاسم اذن جنگیدن دادند. در مورد شهادت عبدالله بن حسن که کم سن و سال‌تر از قاسم بود، جریان متفاوت است و هیچ‌گاه درخواست جنگیدن از جانب عبدالله مطرح نشد؛ بلکه در منابع آمده: وقتی امام حسین علیه‌السلام توسط سپاه عمر سعد محاصره شدند، عبدالله به‌سوی عموی خود حرکت کرد، امام علیه‌السلام از حضرت زینب سلام‌الله علیها خواست که مانع او شوند اما حضرت زینب سلام‌الله علیها نتوانست جلوی عبدالله را بگیرد و ... باقی ماجرا که در روز پنجم توضیح

چرا امام حسین علیه‌السلام آب ذخیره نکردند؟

رود فرات و کربلا حدود پانزده کیلومتر با هم فاصله دارند، نهر علقمه، نهر کوچکی است که از فرات منشعب و از نزدیکی‌های آن جا می‌گذرد. بنا بر برخی از نقل‌ها اصحاب امام تا شب عاشورا از آن نهر آب می‌گرفتند حتی برخی از آن آب غسل نمودند،

اما در روز عاشورا محاصره تنگ تر و سخت‌گیری‌ها بیشتر شد بر این اساس بعد از شب عاشورا هیچ آبی نبود.

به دلیل مهم بودن آب در جنگ، در انتخاب محل استقرار و اردو زدن سپاه، به این مسئله توجه خاصی می‌شود. این موضوع را می‌توان در جنگ‌های بدر و صفین و ... دید. به دلیل امکانات ابتدایی که در زمان صدر اسلام وجود داشته، ذخیره آب برای لشکریان به مقدار زیاد امکان پذیر نبود؛ لذا پس از مستقر شدن در مکانی خاص، در اولین فرصت برای تأمین آب مورد نیاز خود اقدام می‌کردند. سپاه امام حسین (علیه‌السلام) نیز به قدر امکان، ظرف‌های مخصوص آب خود را پُر کرده و آب مورد نیاز را ذخیره کرده بودند، ولی به دلیل نیاز زیاد به آب، ذخیره آب آنها، پس از مدت کمی به پایان می‌رسید و لازم بود که برای تهیه آب، خود را به نهر علقمه - تنها منبع ممکن برای تأمین آب شرب - رسانند

